

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### آثار و ثمرات نماز

اشاره کرده‌ایم که نماز بزرگترین فریضه‌ی الهی و بهترین حکم وضع شده‌ی پروردگار است. بزرگترین دستاورد و عظیم‌ترین ثمره در نماز، احیای یاد خدا در وجود و در زندگی انسان است. این هم که نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد، یکی از پیامدهای یاد خدا در زندگی است؛ و الاً اصل نماز و کار اصلی‌یی که می‌کند، این است که حضور خدا را در زندگی انسان به او نشان می‌دهد؛ توجه به خدا را پررنگ می‌کند و غبار غفلت را از دل انسان می‌زداید. خداوند فرمود: «**أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**»<sup>۱</sup> نماز را به پا بدار، برای اینکه یاد مرا احیا کرده باشی؛ مرا فراموش نکنی و در زندگی‌ات حضور مؤثر و تعیین‌کننده‌ای برای من تعریف کنی. چون جریان زندگی دنیوی، جریانی غفلت‌زاست. جریان زندگی دنیوی غبار غفلت بر دل می‌نشانند و انسان را از توجه به خدا محروم می‌کند. این است که انسان نیازمند غبارروبی از دل خود است و خدای متعال مهم‌ترین عامل غبارروبی دل را "نماز" قرار داده است. از این رو فرمود: «**أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**» نماز را به پا دار، برای اینکه یاد من باشی و مرا فراموش نکنی؛ چون اگر مرا فراموش کنی، زندگی‌ات عین تلخی و ضیغ، اضطراب و نگرانی، حسرت و غصه و تلخی و دشواری خواهد بود؛ اما اگر یاد من به درون زندگی بیاید، زندگی سرشار از آرامش، شادی و امید خواهد شد. آنجا هم که فرمود: «**أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ**» نماز را به پا دار؛ که نماز تو را از فحشا و منکر باز

۱. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۴.

می‌دارد؛ پس از آن فرمود: «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»<sup>۲</sup> یعنی بزرگتر از اینکه تو را از فحشا و منکر باز می‌دارد، این است که نماز ذکر خدا و یاد اوست. این دستاورد بزرگتر نماز است.

### عَلَّتْ مَقْرَّرَ شَدْنَ نَمَازِ دَرِ حَدِيثِي اَزِ اِمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت است: «إِنَّ عَلَّةَ الصَّلَاةِ» عَلَّتْ اینکه خدای متعال نماز را مقرر کرد، این است که «أَنَّهَا إِقْرَارٌ بِالرُّبُوبِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ...» اولاً نماز اقرار به ربوبیت خدای عزوجل است. یعنی در قالب نماز اقرار می‌کنم ربی دارم؛ تنها و رها شده‌ی در این عالم نیستم؛ خدا دارم؛ صاحب، حامی، مربی، رزاق و مدافع دارم؛ بی‌کس، تک‌افتاده، بی‌حامی و رها شده‌ی در این عالم نیستم. رخدادهای این عالم تصادفی پیش نمی‌آید و زندگی من بدون منطق و قانون جریان ندارد. مشیت حکیمانه‌ی خداوند توأم با رحمت واسعه‌ی الهی حوادث و رخدادهای و شرایط و موقعیت‌ها را برای من رقم زده و پیش می‌آورد. من در یک دنیای بدون منطق و در دنیای تصادفات کور زندگی نمی‌کنم. من رب دارم. نماز برای این است که انسان یاد خدا باشد. فرمود: نماز اقرار به ربوبیت خدای عزوجل است؛ اقرار به این است که من در دست ربم هستم؛ رب من هم صاحب من و هم پروراننده‌ی من است. به قول شاعر: «از آن دست که می‌پروردم می‌رویم».

«... وَ الْمُدَاوَمَةَ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ» دومین عَلَّتْ وضع صلاة و مقرر کردن نماز

این است که انسان یاد خدا را در همه‌ی شبانه‌روز خود استمرار ببخشد و یک لحظه‌اش بدون یاد خدا طی نشود. همان‌طور که اگر هوا قطع شود یا جریان گردش خون متوقف

<sup>۲</sup> سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۴۵.

گردد، بدن نمی‌تواند ادامه‌ی حیات دهد؛ اگر ذکر خدا قطع شود، روح و جان انسان نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد؛ حیات روحانی انسان متوقف می‌شود و انسان دچار مرگ روحی می‌گردد و مرده‌دل می‌شود. پس انسان برای اینکه دل و جان‌ش زنده باشد، نیاز به مداومت ذکر خدا دارد و یکی از مهلک‌ترین عوارض زندگی در عالم طبیعت و دنیا غفلت است؛ که انسان را از یاد خدا محروم می‌کند.

«لَيْلًا يَنْسَى الْعَبْدُ سَيِّدَهُ وَ مُدَبِّرَهُ وَ خَالِقَهُ فَيَنْطَرُ وَ يَطْفِي» امام رضا علیه السلام فرمودند سومین علتی که خدای متعال نماز را مقرر کرد، این است که عبد، آقا، مدبر و آفریننده‌ی خود را فراموش نکند؛ چون اگر او را فراموش کند، گردن‌کشی و طغیان خواهد کرد. همه‌ی گردن‌کشان تاریخ و همه‌ی کسانی که طاغوت شدند؛ خدا را فراموش کردند؛ فریاد «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى»<sup>۲</sup> سردادند؛ دعوی ربوبیت کردند و کسی بالاتر از خودشان ندیدند؛ لذا طاغوت شدند و گردن‌کشی کردند. انسانی که خود را تحت حکم الهی می‌داند و اراده‌ی مطلقه‌ی پروردگار را حاکم بر همه‌ی ذرات هستی خود می‌بیند؛ چگونه گردن‌کشی کند؟ چطور خودبزرگ‌بینی داشته باشد؟ و چگونه طاغوت شود؟ لذا امام رضا علیه السلام فرمودند: دلیل دیگری که خدا نماز را مقرر کرد، این است که در یاد انسان باشد که کسی بزرگ‌تر از او هم وجود دارد؛ کسی که همه‌ی سرنوشت انسان در دست اوست و به قول شاعر: «اگر نازی کند در هم فرو ریزند قالب‌ها».

---

<sup>۲</sup>. سوره‌ی نازعات، آیه‌ی ۲۴.

انسان یادش باشد؛ تا به پُست و مقامی رسید، خودش را گم نکند؛ دچار تکبر و تبختر نشود؛ با خلق خدا ظالمانه رفتار نکند؛ سرکشی و گردن‌کشی ننماید. این هم یک دلیل برای اینکه خدا نماز را مقرر کرد؛ اینکه انسان‌ها خالق، مدبر، سرور و آقای خودشان را فراموش نکنند.

«وَ يَكُونُ ذَلِكَ فِي ذِكْرِهِ لِرَبِّهِ جَلًّا وَعَزًّا وَ قِيَامِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ زَاجِرًا لَّهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَ مَانِعًا [لَهُ] مِنْ أَنْوَاعِ الْفَسَادِ»<sup>۴</sup>

علت دیگر اینکه خدای متعال نماز را مقرر کرد این است که یاد خدا بودن و در پیشگاه الهی به ادب ایستادن و در محضر پروردگار حاضر شدن، عامل بازدارنده‌ای از گناهان و انواع و اقسام فساد باشد. یعنی انسان را سالم نگه دارد؛ او را در منجلاب آلوده‌ی دنیا حفظ کند؛ در لغزشگاه‌های تند و پرشیب گناه، قدرت ایستادگی به او ببخشد و در عرصه‌های فریبنده‌ی فساد، قدرت پایداری به او بدهد؛ تا رقم‌های نجومی پول یا مقام‌های بالای سیاسی، اجتماعی، قضایی، تقنینی، اجرایی و امثال اینها چشم او را کور نکند؛ به طمع آنها پا روی حقوق مردم نگذارد؛ ظلم به خلق نکند و فساد ننماید. نه آلوده‌ی به گناه شود و نه مبتلای به فساد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: علت مقرر شدن نماز این است. البته می‌دانید این‌گونه احادیث در مقام احصاء تمام مصادیق نیستند؛ که بگوییم علت دیگری ندارد؛ چون روایات دیگری داریم که علت‌های دیگری را هم ذکر کرده‌اند. امام رضا علیه السلام متناسب با سؤال‌کننده یا

<sup>۴</sup> صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۵ و حرعاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۹ و مجلسی، بحار، ج ۷۹، ص ۲۶۲.

مخاطبی که برایشان صحبت می‌کردند، به مواردی که برای مخاطب بیشتر ضروری بود، اشاره فرمودند.

### علّت تکرار نماز در شبانه‌روز

دلیل اینکه نمازها متعدّد خوانده می‌شود؛ یعنی نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء داریم؛ و در تمام اوقات متمرکز است و نگفته‌اند یکبار پنج تا نماز پشت سر هم بخوان و بقیه‌ی وقت بیست و چهار ساعت رها باش! بلکه نمازهای فریضه‌ی یومیه را در شبانه‌روز پخش کرده‌اند؛ در هر هفته نماز جمعه، در هر سال نماز عید فطر و عید قربان، در کنار هر حادثه‌ی مهمّ عالم تکوین، مانند زلزله، سیل، رعدوبرق ترساننده، خسوف و کسوف، که همه‌ی علائم قیامت است، نماز آیات را مقرر کرده‌اند؛ این تنوع و تعدّد نمازها و پخش شدن آنها در تمام زندگی انسان می‌خواهد یاد خدا را در همه‌ی لحظات زندگی انسان زنده نماید و دوام یاد خدا را تضمین کند؛ که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «وَكُنْ لِلَّهِ ذَاكِرًا عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ»<sup>۵</sup> در همه‌ی حالاتت ذاکر خدا و به یاد او باش. نماز آمده است این کار را انجام دهد. نماز عقاید و آموزه‌های دین را که چه با تعبیر لفظی و چه با تعبیر عملی<sup>۶</sup>، در طول شبانه‌روز، در نمازهای یومیه تکرار می‌شود؛ به عمق جان انسان نفوذ می‌دهد.

در بحث ذکر عرض کرده‌ایم که دلیل اینکه اذکار متعدّد گفته می‌شود و انسان یک ذکر را تکرار می‌کند، این است که امری را که انسان از لحاظ منطقی به‌درستی آن واقف شده و به تصدیق عقلی نسبت به آن رسیده است، برای اینکه به یقین و باور قلبی تبدیل شود،

<sup>۵</sup> مجلسی، بحار، ج ۹۰، ص ۱۵۲ و محدّث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱، ص ۲۵۷ و طوسی، امالی، ص ۸.

<sup>۶</sup> چون نماز مجموعه‌ای از الفاظ و حرکات است.

مکانیزمش تکرار و تلقین مکرر به خویشتن است. تکرار ذکر همین تلقین مکرر به خویشتن است. تلقین گاهی لفظی است، که انسان مطلبی را مدام با زبان خود تکرار و به خود تلقین می‌کند و گاهی تلقین عملی است؛ که با حرکات و اعمالی همان محتوا را، منتهی به زبان رفتار، به خود تلقین می‌کند. نماز در قالب الفاظ و همچنین حرکاتش، تلقین‌کننده، تثبیت‌کننده و رسوخ‌دهنده‌ی عقاید و آموزه‌های دین در وجود انسان نمازگزار است.

یکی از چیزهایی که حرکات نماز تلقین و تثبیت می‌کند و در وجود انسان رسوخ می‌دهد، ایمان به غیب و در رأس همه‌ی آنها ایمان به خدای متعال است. قرآن کریم فرمود: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ»<sup>۷</sup>. در این آیه ایمان به غیب در کنار اقامه‌ی صلاة آورده شده است؛ یعنی نماز ابزاری است که ایمان به غیب و در رأس آن، ایمان به خدا را در وجود انسان رسوخ می‌بخشد.

در نماز از آغاز (ابتدای اذان) با نام خدا شروع می‌کنید؛ با شهادت به وحدانیت خدا ادامه می‌دهید و در تمام طول نماز سخن از خدا می‌گویید؛ با خدا سخن می‌گویید و سخن از عبادت خدا و تنها از خدا مدد جستن می‌گویید. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»<sup>۸</sup> وقتی می‌خواهید برخیزید، «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ»؛ می‌گویید. سوره‌ی بعد از حمد، سوره‌ی توحید را، می‌خوانید؛ که فراوان تأکید شده است انسان در نمازها خواندن آن را ترک

---

<sup>۷</sup>. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳.

<sup>۸</sup>. سوره‌ی حمد، آیه‌ی ۵.

نکند و همه‌ی آن سخن از خداست: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ اللَّهُ الصَّمَدُ؛ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ؛ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ». به رکوع می‌روید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ»؛ به سجده می‌افتید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ»؛ «سُبْحَانَ اللَّهِ؛ سُبْحَانَ اللَّهِ؛ سُبْحَانَ اللَّهِ». ببینید هم‌هاش سخن از خداست. سوره‌ی حمد هم‌هاش تلقین باور به خدای متعال است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ» بنابراین اینکه غیر از نوافل و نمازهای مستحبی که **إِنِّي مَأْمُورٌ بِاللَّهِ** است، نمازهای واجب در هر شبانه‌روز حداقل پنج‌بار تکرار می‌شود؛ و در هر نماز هم تکرار وجود دارد؛ مثل اینکه در هر نماز بارها **«اللَّهُ أَكْبَرُ»** می‌گویید؛ دو بار سوره‌ی حمد را می‌خوانید و لااقل دو رکوع و چهار سجده مقرر شده است ( اگر نماز دو رکعتی باشد). این ذکرها در نماز تکرار می‌شود و این تکرار همان تلقین مکرر به خویش در قالب الفاظ است.

ایمان به رسالت و ایمان به ولایت. در **«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»** سخن از اهل‌ولایت می‌گوییم؛ در اذان به رسالت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شهادت می‌دهیم و در تشهد به عبودیت و رسالت رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شهادت می‌دهیم و بر پیامبر و خاندان ایشان صلوات می‌فرستیم. همه‌ی اینها تلقین‌کننده‌ی آموزه‌ی ایمان به نبوت و ولایت است.

در نماز پیوند با خوبان و صالحان را به خود تلقین می‌کنیم: **«السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ»** اینها برخی از آموزه‌هایی است که نماز در وجود انسان رسوخ می‌بخشد.

نماز وصل شدن به بی‌نهایت و رها شدن از تلاطمات زندگی، اضطراب و غصه است. اشاره کرده‌ام نقش اصلی نماز یاد خداست. فرمود: **«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»**.<sup>۹</sup> نماز را به‌جا بیاور که به

<sup>۹</sup> سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۴.

یاد من بیفتی. از طرف دیگر هم فرمود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۱۰</sup> کسی که ذکر خدا در وجودش باشد، به آرامش می‌رسد. با یاد خدا دل‌ها آرامش پیدا می‌کند و همه‌ی اضطراب‌ها از وجود انسان برمی‌خیزد؛ پس نماز مایه‌ی آرامش دل انسان است. لذا در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام روایت داریم: «كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام إِذَا هَالَهَ شَيْءٌ فَرَعَ إِلَى الصَّلَاةِ»<sup>۱۱</sup> امیرالمؤمنین علیه السلام این‌گونه بودند که هر وقت امری هولناک به‌سوی ایشان می‌آمد، به نماز پناه می‌جستند. نماز پناهگاه مؤمن از همه‌ی ترس‌ها و هول‌های زندگی است. از امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمودند: «مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غَمِّ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَصَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ فَيَرْكَعُ رَكَعَتَيْنِ يَدْعُو اللَّهَ فِيهَا» چه چیزی مانع می‌شود هنگامی که غصه‌ای از غصه‌های دنیوی به سراغ یکی از شما می‌آید، وضویی بگیرد؛ داخل مسجدی شود؛ دو رکعت نماز به‌جا بیاورد و در آن دو رکعت نماز دعا کند؟! سپس فرمودند: «أَمَا سَمِعْتِ اللَّهَ يَقُولُ وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ»<sup>۱۲</sup> آیا این سخن خدا را نشنیده‌ای که از صبر و نماز استعانت بجوئید؟ یکی از معانی صبر در این آیه روزه است. انسانی که غمی یا غصه‌ای به سراغش آمده است، با نماز به آرامش می‌رسد و غم و غصه‌هایش از بین می‌رود.

انسانی را که به دلیل بی‌توجهی و یا سست‌ارادگی، به گناهان و معاصی آلوده شده و گناهان او را از پاکی و نُزهت نخستینش محروم کرده است؛ نماز پاک می‌کند و دوباره زلالی و شفافیت روح را به او باز می‌گرداند. فردی که گناهان مثل بندی به پای او بسته

۱۰. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۸.

۱۱. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۸۰ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۱۳۸ و بحرانی، البرهان، ج ۱، ص ۲۰۸.

۱۲. حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۱۳۹ و حرّعاملی، هداية‌الامة، ج ۳، ص ۳۲۶.



شده است و امکان پرواز به افق‌های بلند معنویت و کمال را از او سلب کرده است، با نماز این بندها را از پای روح و جان خود می‌گسلد.

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «ما مِنْ صَلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتَهَا إِلَّا نَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَيْ التَّائِسِ أَمَّا التَّائِسُ قَوْمُوا إِلَى نيرانِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا بِصَلَاتِكُمْ»<sup>۱۳</sup> هیچ نمازی نیست که وقتش برسد، مگر اینکه فرشته‌ای در بین مردم و پیشاروی آنها ندا می‌دهد: ای مردمان! برخیزید و به سمت آتش‌هایی که به جان خودتان انداخته‌اید، وجودتان را با آن آتش‌ها شعله‌ور کرده‌اید و آن آتش‌ها را بر گرده‌ی خودتان بار کرده‌اید، بروید و با نمازهای خود آن آتش‌ها را خاموش کنید. آتشی که گناه بر جان و روح انسان‌ها می‌افروزد، با نماز خاموش می‌شود.

پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث دیگری فرمودند: «لَوْ كَانَ عَلَى بَابِ دَارِ أَحَدِكُمْ نَهْرٌ فَأَغْتَسَلَ مِنْهُ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ هَلْ [أ] كَانَ يَتَّقِي عَلَى جَسَدِهِ مِنَ النَّارِ شَيْءٌ». حدیث را مکرر شنیده‌اید؛ که اگر در خانه‌ی یکی از شما نه‌ری باشد و آن شخص در هر روز پنج‌بار خود را در آن نه‌ر شست‌وشو دهد، آیا بر تن او چرکی باقی می‌ماند؟ راوی می‌گوید: «قُلْنَا لَا» ما عرض کردیم نه یا رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! دیگر چه چرکی؟ روزی پنج بار حمام برود، کجا برایش چرک می‌ماند؟! «قَالَ فَإِنَّ مَثَلَ الصَّلَاةِ كَمَثَلِ النَّهْرِ الْجَارِي كُلَّمَا صَلَّى صَلَاةً كَفَّرَتْ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الذُّنُوبِ»<sup>۱۴</sup> حضرت فرمودند: مثال نماز مثال نه‌ر جاری است. (اگر بخواهم این تمثیل را باز کنم، حرف‌های زیادی در آن است؛ اینکه در نه‌ر جاری چه نکته‌های وجود دارد؛ که در نماز هم هست؟ چون پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: مثال نماز مثال یک نه‌ر جاری است؛) هر بار که انسان نماز

<sup>۱۳</sup>. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۰۸ و مجلسی، بحار، ج ۷۹، ص ۲۰۹ و سیدبن طاووس، فلاح السائل، ص ۱۵۶.

<sup>۱۴</sup>. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۷ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۲ و مجلسی، بحار، ج ۷۹، ص ۲۳۶.

به جا می آورد؛ نماز گناهانی را که بین نمازی که اکنون می خواند، با نماز قبلی اش، مرتکب شده است، پاک می کند. انسان نمازگزار در نهر نماز شست و شو می کند. این هم یکی از ثمرات نماز است.

ثمره ی دیگر: نماز نظر لطف خدای متعال را شامل حال بنده می کند و او را مشمول رحمت الهی قرار می دهد. از پیغمبر اکرم ﷺ نقل شده است: «إِذَا قَامَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ فِي صَلَاتِهِ» وقتی بنده ی مؤمن در نمازی که می خواند، در پیشگاه پروردگار به حال قیام و ادب می ایستد، «نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ» خدای عزوجلّ به او نگاه می اندازد و نظر می کند. «وَ أَظَلَّتْهُ الرَّحْمَةُ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ إِلَى أَفْقِ السَّمَاءِ» و رحمت از بالای سر او تا افق آسمان، بر او سایه می افکند. این گونه رحمت او را در بر می گیرد! «وَ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا قَائِمًا عَلَى رَأْسِهِ يَقُولُ لَهُ يَا أَيُّهَا الْمُصَلِّي لَوْ تَعَلَّمَ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ وَ مَنْ تَسَاجَى مَا التَفَتَ وَ لَا زَلَّتْ مِنْ مَوْضِعِكَ أَبَدًا»<sup>۱۵</sup> و خدای متعال ملکی را بر بالای سر نمازگزار موکل و مأمور می کند که به او می گوید: ای نمازگزار! اگر می دانستی اکنون که نماز می خوانی، چه کسی به تو نگاه می کند و با چه کسی نجوا و مناجات می کنی، هرگز توجّهت را از نماز بر نمی گرداندی و هرگز از جایی که هستی، تغییر مکان نمی دادی! نماز، عبد را نظرگاه پروردگار می کند و رحمت الهی را شامل حال او می نماید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

<sup>۱۵</sup>. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۶۵ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۲ و مجلسی، بحار، ج ۸۱، ص ۲۶۰.